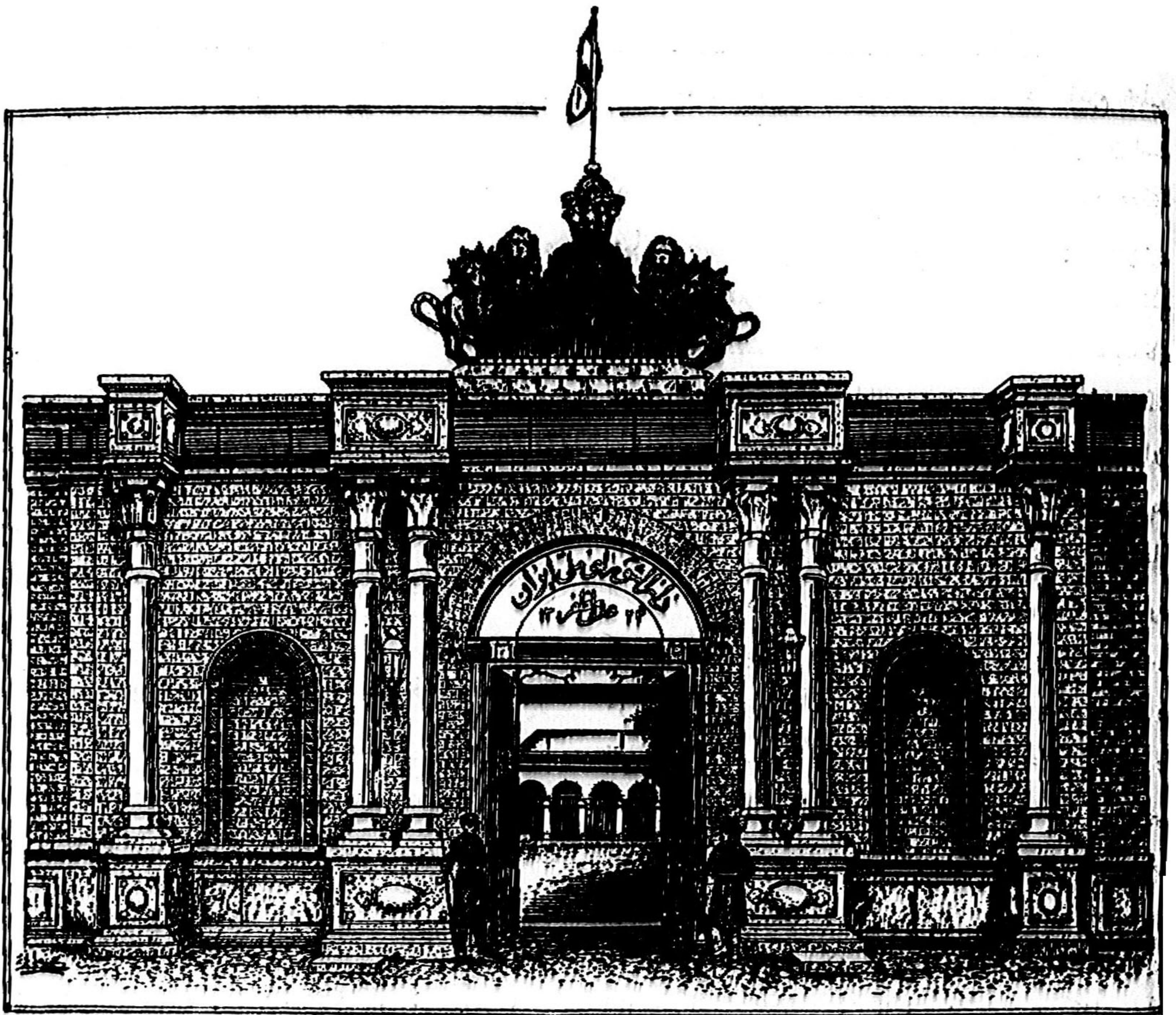


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۷۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۴۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ جادی الثانیه ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه مذاکرات نسبت بطرح قانونی راجع باصلاح قسمت اخیر ماده ۹۳ نظامنامه داخلی و تصویب آن	۲۹۰۳	۲۹۰۶
۲	مذاکرات نسبت بطرح قانونی پیشنهادی آقایان نمایندگان راجع باصلاح نظامنامه داخلی نسبت بحضور نمایندگان در مجلس پس از زدن زنگ تشکیل جلسه و خروج طرح مزبور از دستور	۲۹۰۷	۲۹۱۰
۳	مذاکرات نسبت بخر کرسیون بودجه راجع به حقوق درجات قضائی	۲۹۱۰	۲۹۲۴
۴	قانون اصلاح قسمت اخیر ماده ۹۳ نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی	۲۹۲۵	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس - ۵ شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۴۶

جلسه ۱۷۹

رئیس -- صورت مجلس ایرادی ندارد؟
(گفتند - خبر)

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر
براست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس روز یکشنبه ۱۹ آذر ماه
را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

رئیس - اصلاح ماده ۹۳ نظامنامه داخلی مطرح است در جلسه قبل پیشنهاد آقای فهیمی قرائت شد ولی رأی گرفته نشد.

روحی - دو باره قرائت شود

(مجدداً بترتیب جلسه قبل قرائت شد)

فهیمی اجازه می فرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

فهیمی - بنده این پیشنهاد را مسترد میکنم. پیشنهاد جدیدی با موافقت آقایان ضیاء - دکتر مصدق - تقوی زاده تنظیم شده است و تقاضا میکنم آن پیشنهاد مطرح شود.

رئیس - پیشنهاد جدید آقای فهیمی قرائت میشود.

(این قسم قرائت شد)

در انتخابات مجلس عمومی غیر از انتخاب هیئت رئیسه بطریق ذیل عمل میشود؛ قبلاً پنج نفر نمایندگان بحکم قرعه یا بکنفر از منشیان به تعیین رئیس برای استخراج و نظارت آراء تعیین میشود بعد از آن رئیس عده حضار در جلسه و انتخاب یکی از کمیسیونها را اعلام می نمایند - نمایندگان حاضر در جلسه هر کدام يك پاك که حاوی ورقه رأی راجع بکمیسیون اعلام شده است بدست پیشخدمت مخصوص میدهند تا در ظرف رائی که همراه دارد گذاشته و پس از اخذ آراء کمیسیون مزبور در روی کرسی خطابیه می گذارد - بعد از آن رئیس مجدداً عده حضار در جلسه و انتخاب کمیسیون دیگر را اعلام بترتیب فوق اخذ آراء میشود تا اینکه تمام آراء راجع بکمیسیونها جدا جدا اخذ شده و روی کرسی خطابیه گذاشته شود در انقضاء جلسه ظروف آراء مأخوذه تسلیم هیئت نظار میشود که در خارج استخراج نموده نتیجه را از رئیس در جلسه بعد اعلام نماید

رئیس - (خطاب با آقای ضیاء) بفرمائید توضیح

بدهید .

ضیاء - این پیشنهادی که جدیداً تقدیم مجلس شده است با آن پیشنهاد جلسه قبل تفاوتش این است که مفاد پیشنهاد جلسه قبل عبارت از این بود که هیئت نظار و کسان که بقرعه برای استخراج معین شدند قبلاً میرفتند در اطاق مجاور مجلس می نشستند و آلوقت پیشخدمت مخصوص مجلس آراء را از نمایندگان مجلس میگرفت و در اطاق مجاور تسلیم هیئت نظار میکرد و این جا ما دچار يك اشکال میشدیم و آن این بود که معلوم نبود خود هیئت نظار در چه وقت باید رأی بدهند در قسمت دیگر این اشکال بود که باید تمام آراء تا آخر در تحت نظر خود نمایندگان باشد این بود که اصلاحی جدیداً در آن پیشنهاد شد و تقدیم شد با موافقت نظر خود آقای فهیمی و آقایان دکتر مصدق و تقوی زاده و دیبا و آقا سید یعقوب هم حاضر بودند و بالاخره پس از مذاکرات زیادی قضیه باین جامنتهی شد که ظرف مخصوص را پیشخدمت مخصوص مجلس می آورد حضور آقایان و آقایان يك يك رأی خودشان را میگذارند در پاك و میدهند. پیشخدمت رأی آقایان را می گیرد و در ظرف مخصوصی می گذارد و آن ظرف را روی کرسی نطق می گذارد و بعد رئیس انتخاب کمیسیون دیگر و عده حضار مجلس را اعلام می کند و انتخاب کمیسیون دیگر شروع میشود بهمان ترتیب سابق یعنی ظروف را پیشخدمت می آورد و اخذ رأی میکند و پس از اتمام عمل ظرف رأی را روی کرسی خطابیه می گذارد باین ترتیب تمام آراء در تحت نظر تمام نمایندگان گذارده میشود و در تحت نظر خودشان اخذ آراء میشود آنوقت از دو صورت خارج نیست یا اینکه در همان جلسه تمام انتخاب کمیسیونها بعمل می آید یا اینکه ممکن است یکی دو کمیسیون انتخابش بجلسه دیگر محول بشود. اگر در همان جلسه تمام شد وقتی که اخذ آراء تمام کمیسیونها خاتمه یافت هیئت نظار بعلاوه يك نفر از منشیان که رئیس انتخاب میکنند ظروف آراء را

میرند در اطاق مجاور مجلس شروع می کنند با استخراج آراء و نتیجه را رئیس مجلس در جلسه بعد اعلام می کند و اگر چنانچه در میان جلسه تنفس شد و دیگر تشکیل نشد یا کمیسیونها اساساً خاتمه نیافت و انتخاب چند کمیسیون بجلسه دیگر ماند نظار آن قسمت از آرائی را که اخذ شده است و انتخابش تمام شده است در اطاق مجاور استخراج می کنند و رئیس اطلاع میدهند رئیس هم در جلسه بعد اعلام می کند و بقیه کمیسیونها را هم بهمان ترتیبی که عرض شد در جلسه دیگر انتخاب می نمایند. این اصلاحی بود که عرض شد و با این ترتیبی که پیشنهاد شده گمان میکنم انتخابات خیلی سهل و ساده صورت بگیرد و رفع تمام اشکالات و سوء تفاهات را هم بکند.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - اشکالی که بنده دارم و خیال میکنم که مؤثر هم باشد این است که این جا گفته شده است که از طرف رئیس مجلس اعلام میشود که کمیسیونها انتخاب شده است و شروع میکنند با انتخاب کمیسیون دیگر. در قسمت استخراج آراء بنده مخالف هستم که یکی یکی استخراج و اعلام بشود بنده معتقدم که يك مرتبه بعد از ختم انتخاب کلیه کمیسیونها تمام آراء استخراج و اعلام بشود و الا اگر چنانچه يك کمیسیون انتخاب شد ممکن است باعث وقفه انتخاب سایر کمیسیونها بشود و بهتر این است برای سرعت جریان امور يك مرتبه استخراج شود و نتیجه اعلام شود. بمقیده بنده این وقفه در این پیشنهاد هست و باید رفع شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی تعجب کردم از این پیشنهاد آقای یاسائی که بنده خیلی معتقدم نباشان که میخواهند کارهای مجلس و قوانینی که در مجلس هست زودتر بجزریان بیفتند مخصوصاً کارها از کمیسیونها زودتر بیاید بمجلس. همین مسئله که شما الان فرمودید

کاملاً در آن کمیسیون که بودیم مطرح شد يك مرتبه است که يك قانونی را دولت آورده است راجع به کمیسیون خارجه یا کمیسیون عدلیه ولی مثلاً با انتخاب در کمیسیون عدلیه توافق نظر حاصل نشده است از آن طرف این لایحه معوق میباشد و دولت هم در فشار است مجلس هم می داند باید قانون بگذرد ولی اگر توافق نظر در کمیسیون عدلیه حاصل نشود این کار معوق می ماند و بضرر مملکت تمام خواهد شد. بامسئله کمیسیون قوانین مالیه يك لایحه است که آن لایحه باید به آنجا رود و البته باید کمیسیون استخراج شود تا لایحه بگذرد و از آن طرف فرضاً این کمیسیون انتخابش تمام شده است لیکن توافق نظر راجع به انتخاب کمیسیون عدلیه بعمل نیامده است باز کارها معوق میباشد و اگر ما بموجب این فرمایش آقای یاسائی صبر کنیم تا همه کمیسیونها انتخاب بشوند و يك مرتبه استخراج شود و موقوف بداریم ممکن است يك لواحق مهمی به تعویق بیفتد و این بضرر مملکت تمام خواهد شد مثلاً حالا بشما عرض میکنم قانون بلدی الان مدتی است شور دوش مانده است و بواسطه تاخیری که راجع بتوافق نظر در انتخاب کمیسیون پیدا شده است سال دارد تمام میشود و قانون بلدی همینطور بلا تکلیف مانده است در صورتیکه اگر همان روز هم که مقام ریاست اعلان انتخاب کردن را داده بودند شروع شده بود با انتخاب و نظار هم تکلیف خودشان را می دانسته و زود بوظیفه خودشان عمل می کردند الان قانون خاتمه یافته بود و از طرف مقام ریاست هم بهیئت دولت ابلاغ شده بود و الان ولایات می توانستند شروع کنند با انتخابات بلدی. همینطور قانون خالصجات انتقالی که خودتان میدانید الان در تمام مملکت صدا بلند است و باید تکلیف آن را معین کرد. ما آمده ایم و مالیات سرانه را لغو کرده ایم لیکن دولت در خالصجات انتقالی گیر کرده است که چه جور در آن جا عمل بکنند آیا آن جا هم لغو است یا نه؟ و آیا آنجا هم داخل در مملکت ارباب است یا ترتیبش

چون دیگر است؟ اینها يك قضایائی است که اگر ما بخواهیم بگذاریم نمیشود و چون این مسائل واقع شده است و مسائلی بوده است که در همین دوره خودمان درش واقع شده ایم باید فکری برایش بکنیم. هر روزی که يك کمیسیون انتخاب شد اظهار حق باید داشته باشند آن کمیسیون را استخراج کرده و اطلاع بدهند که تأخیری در کار واقع نشود و هر لایحه که مربوط بآن کمیسیون است بآنجا مراجعه شود تا وقفه در کار پیدا نشود نظر اعضای کمیسیون این بوده است. اینهم نظریات بنده بود که عرض کردم و این طور بهتر است باسائی - این پیشنهاد دو باره قرائت شود

رئیس - دو باره قرائت میشود ولی کمان میکنم این ابرادی که فرمودید وارد نباشد (مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

باسائی - صحیح است.

رئیس - در عرض اینکه در انقضاء جلسه نوشته شود گویا بهتر این باشد که بنویسند پس از آنکه راجع بتمام کمیسیونها اخذ رأی بعمل آمد.

عدو از نمایندگان - صحیح است

رئیس - اشکالی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - رأی بقابل توجه بودن میگیریم..

آقا سید یعقوب - اجازه می فرمائید؟ بنده مخالفم.

رئیس - نسبت به پیشنهادی که شده است با نسبت بعرض بنده؟

آقا سید یعقوب - جسارت میکنم ولی نسبت بفرمایشی که فرمودید.

رئیس - خیلی خوب بنده پس میگیرم.

آقا سید یعقوب - خیلی معذرت میخواهم جسارت کردم

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد...

احتشام زاده - آنچه را که فرمودید بنده پیشنهاد میکنم و توضیح هم میدهم

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - بفرمائید.

احتشام زاده - بعقیده بنده جمله در انقضاء جلسه باید تبدیل شود بجملة دیگری و اینطور نوشته شود که پس از اینکه اخذ آراء نسبت بتمام کمیسیونها بعمل آمد چون اگر در انقضاء هر جلسه مقرر شود که آن رایها تقدیم نظر شود ممکن است در آن وقت جلسه معین شود و دیگر تشکیل نشود و آن وقت اشکال پیش می آید نمی دانیم آن طرفها چه میشود؟ باین جهت بنده معتقدم همان طور که فرمودید پس از خامه اخذ آراء ظروف آراء تقدیم هیئت نظر بشود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

تقی زاده - اجازه می فرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

تقی زاده - این مسئله در آن کمیسیون هم دقت شد و هر دو طرفش ملاحظه شد اولاً آنچه را که آقا می فرمایند تصور می فرمودند که مقصود این است که بعد از هر رأی و انتخاب هر کمیسیون بروند و استخراج کنند و دو باره برگردند برای يك کمیسیون دیگر این را تصدیق میفرمائید که خیلی اسباب زحمت میشود و منافعی با مقصود است طرف دیگر هم این است که بعد از آن که تمام کمیسیونها انتخاب شد بروند و استخراج بکنند این هم يك اشکال دیگر دارد و آن این است که غالباً دیده میشود که فرضاً در مجلس برای هر کمیسیون که رأی گرفته میشود ممکن است در وسط رأی یا بعد از يك رأی مجلس منقضی بشود و دیگر تشکیل نشود یا بعد بکلی ختم شود بعد در جلسه آتی بعد از قرائت صورت مجلس يك دستور با دو فوریت پیش بیاید با آقایان موافقت نکنند با کمیسویی که بعد از آن باید انتخاب شود دو روز سه روز چهار روز و دو هفته و سه هفته بلکه چهل روز ممکن

است عقب بیفتد در صورتیکه آن دو سه کمیسیون که انتخاب شده است عملش صحیح است و میشود فوراً استخراج کرد و این دو کمیسیون مشغول کار بشوند اگر چنانچه در آن کمیسیونهای آینده اتفاق آراء و موافقت نظر حاصل نشده است لهذا يك حد وسطی را گرفتیم، نه لازم است که بعد از اخذ آراء هر کمیسیون فوراً استخراج آراء بشود و نه لازم است که در چند جلسه اخذ رأی شود و همینکه اخذ رأی نسبت به همه کمیسیونها تمام شد استخراج شود هیچ کدام لازم نیست، بلکه در آخر هر جلسه اخذ آراء نسبت به چند تا کمیسیون که ممکن شد استخراج شود، اگر تمام کمیسیونها اخذ آراءش ممکن شد البته مقصود آقای رئیس حاصل میشود ولی اگر نسبت به پنج یا شش کمیسیون اخذ رأی شد و دو تا سه تا ماند بعد از انقضای جلسه نظر حق داشته باشند آن ورقها را استخراج کنند و پاره کنند و دور بیندازند

رئیس - حالا رأی میگیریم باصل پیشنهاد بعد رأی بگیریم بآن پیشنهاد بضمیمه پیشنهاد آقای احتشام زاده رأی گرفته میشود پیشنهاد اولی که قرائت شد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای عدل دیگر موضوع ندارد

عدل - خیر.

رئیس - پیشنهاد آقای روحی هم همینطور

روحی - نظرم نیست چه پیشنهاد کردم ولی در هر حال مقصود بنده حاصل شده است

رئیس - پیشنهاد آقای نامداد هم مورد ندارد

نامداد - خیر.

رئیس - پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب هم کمان نمیکم مورد داشته باشد

آقاسید یعقوب - ربطی باین ماده ندارد بعد از این

ماده است ماده الحاقیه است

رئیس - کمان نمیکم مورد داشته باشد.

آقا سید یعقوب - بعد از این ماده يك ماده الحاقیه پیشنهاد کرده ام

رئیس - قرائت میشود، (اینطور خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینمایم:

پس از زنگ جلسه رسمی چنانکه هر يك از آقایان نمایندگان محترم تأخیر در هر پنج دقیقه اول معاف و در تأخیر هر پنج دقیقه دیگر عشر حقوق آن جلسه کسر خواهد شد)

رئیس - باید عرض کنم رایی که بدو فوریت داده شده بود راجع بماده ۹۳ بود راجع باین ماده نبود

دادگر - بنده تقاضای دو فوریت میکنم دلایلی هم دارم عرض میکنم

رئیس - بسیار خوب اول باید بماده نود و سه رأی قطعی گرفت بعد در باب ماده الحاقیه مذاکره بشود، رأی قطعی گرفته میشود به پیشنهادی که قابل توجه شد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد، در باب آن ماده الحاقیه تقاضای دو فوریت باید با مضای پانزده نفر باشد

دادگر - پانزده نفر امضا میکنیم الان تقدیم میکنیم.

رئیس - هر وقت تقاضا با مضای پانزده نفر رسید بنده مطرح میکنم وارد دستور میشویم، بودجه ملکیتی مطرح است

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید، بنده تقاضا کرده بودم

آقا سید یعقوب - آقا پیشنهاد بنده را نوزده نفر امضا کرده بودند

رئیس -- (خطاب باقا سید یعقوب) - نامل بفرمائید (خطاب بوزیر مالیه) - بفرمائید .

وزیر مالیه - همچو شنیدم که اقا فرمودند بودجه مملکتی مطرح است .

رئیس -- بلی .

وزیر مالیه - بنده در جلسه سابق تقاضا کرده بودم لایحه راجع بعوارض بندری که لایحه مختصری هم هست مطرح شود آقای وزیر عدلیه هم تشریف آورده اند تقاضای دیگری دارند اگر اجازه بفرمائید ایشان هم تقاضای خودشان را بکنند بنده هم با تقاضای ایشان موافقم رئیس -- (خطاب باقا سید یعقوب) عرض میکنم این پیشنهادی که فرمودید نوزده نفر امضا کرده اند تقاضای دو فوریت درش نشده است امضای نوزده نفر در اصل پیشنهاد است راجع بفوریت نیست .

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس -- هر وقت تقاضای دو فوریت بامضای پانزده

نفر برسد مطرح میشود .

وزیر عدلیه - البته پس از آنکه تکلیف طرح راجع بنظامنامه معین شد بنده میخواستم از آقایان مخفی کنم که خبر کمیسیون بودجه در خصوص اشل و درجات حقوق قضاة و همچنین خبر کمیسیون بودجه راجع بانایه ولایات چون هر دو ناس فوریت دارد موافقت بفرمایند که امروز جزء دستور شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

دادگر - پیشنهادی تقدیم شده است راجع بدو فوریت

رئیس -- پیشنهادی که رسیده است قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

بنده در ماده الحاقیه تقاضای دو فوریت میکنم و دلایل خودم را عرض میکنم . دادگر - شریعت زاده - اسفندیاری .. ملک مدنی - (و چند امضای دیگر) بعضی از نمایندگان - ما همه موافقیم با آن تقاضا

رئیس -- بسیار خوب ، ماده الحاقیه پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود و فوریت اول مطرح است (بشرح سابق قرائت شد)

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده موافقم .

رئیس -- آقای شریعتزاده

شریعتزاده - موافقم

رئیس -- آقای دادگر هم که موافقت

دادگر - بنده توضیح میخواستم بدم

رئیس -- بفرمائید

دادگر - عرض کنم که یکی از کارهای بسیار مستحسن خوب این کاریست که امروز آقای آقا سید یعقوب فرمودند و این خوشبختانه مسئله ایست که افش عاید بانظامات داخلی ما میشود ، مسلم است هر مؤسسه ای که میخواهد نظم و ترتیب يك مملکتی را اداره کند مرحله اولش اینست که خودشان منظم باشند ما کرازا دیده ایم که يك کارهای خیلی مستعجلی ، يك مسائل بسیار لازمی مطرح بوده است و بواسطه نبودن نفرات رئیس محترم ما در پشت میز ریاست منتظر ما بوده است ما هم يك نفر یا دو نفر در خارج مشغول صحبت هستیم این وضعیت است ؟ بنظر بنده بزرگترین و قویترین استدلال در دنیا تجربه است و تجربه بما نشان داده است که این سیره مزاحم با ترتیب مجلس است اینست که تقاضای فوریت میکنم و این پیشنهاد مفید برای نظم و ترتیب امور است و دلیل ما بقدری واضح است که بیش از این هم اقامه دلیل نمیخواهم بکنم و دو فوریت آن هم لازم است و همه ما هم شاهدیم که مجلس باید کار کند .

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس -- آقای عدل

عدل - بنده عقیده ام اینست که آزادی مجلس را نمی شود گرفت وکیل آزاد است و آزادی او را نمیشود از دستش گرفت ، آقای دادگر خیلی اتفاق افتاده است که در مجلس رئیس بوده است و مکرر خدمتشان عرض کرده اند که تشریف بیاورید مجلس ایشان برای مصالحی که در نظر داشته اند تشریف بیاورده اند ، نمیشود يك نفر وکیل را مقید کرد که بیا رأی بدهد ، این واقعاً خوب نیست بعضی از نمایندگان - کسی نمیکوید رأی بدهید یا ندهید نمیکویند بیا بیا در مجلس بنشینید

عدل - البته انتظامات مجلس خیلی خوب است ولی اجبار وکیل بدادن رأی باندادن ... نمایندگان با همه - این چه ربطی بدادن یا ندادن رأی دارد

(زنك رئیس ، دعوت بسکوت)

عدل - این ابدأ مربوط بنظامات مجلس نیست و بنده مخالف هستم ، مجلس هم خیلی مرتب و منظم است و هر وکیل هم تکلیف خودش را میداند و نمیشود يك وکیل را برای وکیل دیگر مقید کرد

رئیس -- آقای شریعت زاده

آقا سید یعقوب - بنده خودم پیشنهاد کرده ام میخواهم دفاع کنم .

رئیس -- بسیار خوب ، (طلب شریعت زاده) بفرمائید

دادگر - بنده این سوء تعبیر را میخواهم دفاع کنم شریعتزاده - البته بنظر بنده آقایانی که بواسطه طرح این مطلب موافقت و مخالفت اظهار کردند در جای خود حق دارند برای اینکه مطلب مطلب قابل بحث است ولی استدعا میکنم بجای اینکه داد و بیداد بشود سعی بفرمائید که دلایل قویتری اقامه شود تا اینکه باعث این بشود که طوعاً موافقت شود یا نظر موافقین یا مخالفین

البته آقایان تصدیق میفرمایند که سنگینی مسؤولیت مجلس شورای ملی و اهمیت وظایفی که مجلس دارد باید نسبت مستقیم داشته باشد با حسن انتظام و سرعت جریان و بنا بر این بنظر بنده در حالت حاضر مملکت هر قدر مجلس سریعتر و بیشتر مطابق انتظامات در مواقع خودش تشکیل شود و انجام وظیفه کند صلاح مملکت نامین میشود اینک آقایان فرمودند که ممکن است يك مصلحتی پیش بیاید که موجب تأخیر بشود بنظر بنده اگر يك مصلحت مهمی وجود داشته باشد همه ما باید برای حفظ مصلحت مملکت قبول کنیم باینکه جریمه بدهیم ، و از طرف دیگر این مصلحت که عبارت از مصلحت انتظامی است و حاکمیت نظم در مجلس است حفظ کنیم . بنظر بنده این پیشنهاد یکی از پیشنهاد هایی که میبایستی چندسال پیش از این در مجلس شده باشد . . .

جمعی از نمایندگان - صحیح است

بعضی دیگر - صحیح نیست

شریعتزاده - اگر این قانون در مجلس وجود داشت در خیلی از مواقع مجلس و مملکت کارهای خیلی مهمی را از پیش میبرد

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

شریعتزاده - بنده تصور میکنم که آقایان تصدیق بکنند اگر يك وقتی يك مصلحتی ایجاب بکند که تأخیر شود تمام نمایندگان طرفدار تأمین اصلاح مملکت هستند که آن جریمه را بدهند اما این مطلب و این پیش بینی موجب نیست که ما از تصدیق و قبول يك اصلی که نتایج حتمیه و مفیده اش حتمی است خود داری کنیم ما این را تصدیق میکنیم در موقعی هم که صلاح مملکت اقتضا میکند که جریمه بدهیم جریمه را هم خواهیم داد بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس -- پیشنهاد آقای بهار

(این طور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم طرح پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب

از دستور امروز خارج شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

بهار - بنده تصور نمیکنم پیشنهادی که آقایان فرموده اند نظری جز حفظ انتظامات همان طوری که اداره شده است داشته باشند ولی گاهی بواسطه عجله در بعضی از امور ممکنست که انسان يك جنبه مرجع را در نظر بگیرد و جنبه های دیگری را که نقطه مقابل آن جنبه است از نظر فوت نماید بعقیده بنده اگر مسائل دیگری را در نظر بگیریم که بلافاصله بعد از زدن زنگ جلسه تشکیل شود بهتر است تا اینکه این لایحه را بگذرانیم. آقایان محترم همه میدانند که نماینده و بکنفر وکیل بالاخره تا آزاد نباشد نمیتواند از عهده وظایف وجدانی که دارد برآید.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

بهار - بلی بایستی نمایندگان را آزاد گذاشت خاصه در مواقعی که حقوق اقلیت در مقابل اکثریت ممکن است جریحه دار شود بایستی مجلس همیشه دقت کند که این مواقع را یعنی مواقعی را که بکنفر نماینده فقط بواسطه نیامدن در مجلس میتواند حقوق خودش و حقوق موکلین خودش را حفظ کند این مواقع را لا اقل نباید از وکیل گرفت و اینکه آقای شریعت زاده اظهار فرمودند که می توانند نیابند و جریمه را هم بدهند مقصود جریمه نیست پنج تومان ، يك تومان پنج قران چیزی نیست خود توجه جریمه بيك نماینده باعث تضییع حقوق اوست بواسطه اینکه اگر يك نماینده در يك موردی نتواند برای دادن رأی و حضور در يك مذاکره حاضر شود و وجدان خودش را مخالف بداند یا حضور در آن جلسه و شرکت در آن ساعت و تکلیف وکالتی او اینست که در آن موقع شرکت نکند و اگر شما يك جرمی یاو متوجه بکنید آن جرم يك تخمیل مالا بطاقی است بر او و يك ظلمی است بر او علیهذا و با دلائل دیگری که باید بموقع خودش گفته شود

استدعا میکنم آقایان همراهی بفرمایند که این موضوع موضوع غامض است فعلا از دستور خارج شود در تنفس در خارج بنشینیم (امروز مطلبی ایست که بگوئیم آقایان برای آن مطلب این ماده را پیشنهاد کرده اند) آزادانه بنشینیم بحث کنیم در خارج اگر واقعا دلائل بود که آقایان فرمودند و قانع کننده بود البته میگردد و اگر خیر دلائل ما (اظهاراتی که بطور خلاصه اینجا عرض شد و در موقع خودش مفصلتر عرض میشود) اگر این اظهارات ما قانع کنند بود این مسئله را تعقیب نفرمایند زیرا این مسئله اساس دارد با آن حس آزادی ووظیفه مسؤلیتی که نمایندگان دارند و بعقیده بنده در این باب عجله نفرمائید يك روز عقب بیفتد بهتر از این است که روی عجله با احساسات يك مسئله را بگذرانید و بعد دچار زحمت شوید.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که قبل از اینکه در دفاع آقای ملک وارد شوم آقای عدل را مقننه کنم که اگر ایشان بنده را مورد مثال قرار ندادند اشتباه فرمودند دفاتر اداره مباشرت باز است که بنده هیچ وقت متخلف از وظایف خودم نبوده ام ...

عدل - نگفتم که شما متخلف ازوظیفه بوده اید

دادگر - همیشه هم آمده ام و مراقبت کرده ام و بالاخره هیچ وقت هم ایشان پندیده فرموده اند که کار مهمی در مجلس است که بنده سهل انگاری کرده باشم و هیچ محلی برای فرموده ایشان نمیتوانم قائل شوم مگر اینکه عقب يك مورد مثالی میکشند منطبق بمن شد ...

عدل - سوء تفاهم شد

دادگر - ولی پیشنهاد حضرت آقای ملک الشعراء البته ایشان فصحیحند گاهی يك مسئله جزئی را آرایش میکنند اینجا هم مطلب را آرایش کردند و الا مطلب ساده تر از اینست: اگر فرض بفرمایید که مصلحت مملکت در

خطر باشد بنده چهار قران میدهم نمایم مجلس اشکالی ندارد موهن هم نیست تخلف از وقت در مقابل مصالح مملکت موهن است؟ و الا جریمه دادن موهن نیست و ما باید قضا را از هم نجزیه کنیم و موافق تجربه خودمان و موافق مرور زمان این قضیه را نگاه کنیم ببینیم که غالباً غفلت از آمدن در مجلس برای مصالح و منافع مملکتی بوده است یا سهل انگاری و اشتباه خود بنده نظرم میباشد که خود بنده اگر گاهی غفلت کرده ام و نیامده ام لوی مجلس در نتیجه سهل انگاری و صحبت کردن بوده و الا هیچ وقت حادثه عظیمی در مجلس نبوده است که بنده نیامده باشم مثلاً اتفاق می افتد که يك اقلیتی بخواهد استر و کسب کند و يك مقاومتی در مقابل اکثریت کند برای هر دوره مجلس چهار دفعه پنج دفعه اتفاق افتاده است. برای يك مسئله ای که ممکن است در ساها پنج دفعه اتفاق بیفتد این جریمه خفیفی که پیشنهاد شده است برای متذکر کردن آقایان برای آمدن در مجلس و لطم کارهای داخلی این بنظر بنده مزاحم نیست هیچ لطمه ای هم عاید شخصی که نیامده است و جریمه میدهد نمیشود و الا آن جرمی که باید در ورقه خدمت قید کرد برای اینکه مشمول بکنند يك شخصی را بيك شرابطی آن موضوعی دیگر است ، جریمه دادن و پول دادن جرمی نیست ، بنده خود آقای ملک را که مرد کار و بيك عنصر جدی اند متوجه میکنم واقعا دقت بفرمائید آقا در هر روز چند مرتبه رئیس مجلس و هیئت رئیسه شماره میکنند و اقلیت و اکثریت را برای دادن يك رای در نظر میگیرند آیا اینها را مصالح مملکت اجاب میکند؟ هیچ همچو چیزی نیست و بالاخره بنده بيك مثال دیگر میزنم اگر چه این کلمات خوب نیست در مجلس علنی گفته بشود ولی بالاخره ضرورت اجاب میکنند که بنده بگویم: در لوائح دو شوری در شور ثانوی رأی میگیرند ماده ها و پیشنهادها (در شور اول نمیگیرند) و چون رأی میگیرند موافق نظامنامه از متخلف در حضور جریمه کسر مینمایند شما

بیایند صورت مجلس را ملاحظه کنید در شور اول غالباً مجلس دچار کمی اعضاء است و در شور دوم غالباً حاضرند ، این برای آن جریمه ایست که در کار است. عدل - خوب و فلك هم بیاورید بگذارید اینجا دادگر - این مسئله يك مسئله اصولیست و از نقطه نظر اصولی بنده مانع نمی بینم که برای انتظامات داخلی مجلس يك پیشنهادی شود و اگر خدای نکرده يك چنین روزی پیدا شد که يك قضیه بر خلاف مصالح مملکت واقع شد خود بنده با کمال میل و آزادی آن پنجقران و آن هشت هزار را میدهم و نمایم.

نابت - برای پنجقران که است آقا ،

دادگر - چرا همین طور است ،

رئیس - رأی میگیریم بخرج از دستور آقایان که موافقت قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. راجع بتقاضای آقای وزیر عدلیه مخالفی نیست؟

(گفته شد. خیر)

رئیس - این خبر راجع بتغییر اشل دو شوری است وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید؟ گمان میکنم بيك شوری است چون خبر کمیسیون بودجه است و راجع بخرج است

رئیس - لیکن تقاضای خرج برای همیشه است حالا مذاکره میشود که بيك شوری باشد: مخالفی دارد بانه؟

باسائی - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

باسائی - عرض کنم که نظامنامه در این باب صراحتی ندارد که این راپرت کمیسیون بودجه دو شوری باشد نظری است. ممکنست از نقطه نظر اینکه بيك لایحه خرجی است گفته شود بيك شوری است. چنانکه آقای وزیر عدلیه هم نظرشان اینست که بيك شوری است ممکن

هم هست از نقطه نظر اینکه خرج دائمی است گفت که دو شوری باشد در هر حال ما عقیده مان اینست که يك شوری است و خوبست برای مجلس و اگذار شود

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بنده در اصل ماده حرف دارم

رئیس - در يك شوری بودن مخالفی نیست ؟

کازرونی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

کازرونی - این که بودجه نیست لایحه ایست که آمده است بمجلس شورای ملی که باید بمجلس تصویب کند که موافق این قانون کمیسیون بودجه بودجه را تنظیم بکند بنا برین چون قانون است دو شوری است و چون تقاضای فوریت در ضمن لایحه نشده است دو شوری باید باشد این عقیده بنده است اگر غیر از این است بنده نمیدانم همین قدر عرض میکنم این بودجه نیست اگر بودجه باشد يك شوری است اما این بودجه نیست بنا برین دو شوری است بالاخره همین قدر استدعا میکنم که يك سابقه هائی که ممکن است بالاخره در آئینه بضرر مملکت تمام شود در مجلس شورای ملی نگذارید

رئیس - رأی گرفته میشود، آقایان که ...

حاج شیخ بیات - راجع بیک شوری بودن ؟

رئیس - بلی آقایان، يك دفعه که گفتم آقای کازرونی هم

گفتند رأی گرفته میشود آقایان که تصویب میکنند يك شوری باشد قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد، ماده واحده قرائت میشود.

(اینطور خوانده شد)

ماده واحده - حقوق قضاة و صاحبمنصبان پارک و مدیران دفاتر محاکم که دارای رتبه قضائی هستند بترتیب ذیل مقرر است:

رتبه اول پنجاه تومان، رتبه دوم شصت و پنج تومان، رتبه سوم هشتاد تومان، رتبه چهارم صد تومان، رتبه پنجم صد و بیست و پنج تومان، رتبه ششم صد و پنجاه تومان، رتبه هفتم صد و اود تومان، رتبه هشتم دویست و چهل تومان، رتبه نهم دویست و نود تومان، رتبه دهم سیصد و پنجاه تومان، رتبه یازدهم چهار صد و پنجاه تومان، تبصره ۱ - حقوق رتبه ۱۰ منحصرأ بسه نفر رؤساء شعب نیز و معاون اول مدعی العمومی نیز داده خواهد شد و وزارت عدلیه نمیتواند در هیچ موقعی بیش از چهار نفر مستخدم رتبه ده دارا باشد

تبصره ۲ - حقوق رتبه ۱۱ منحصرأ بر رئیس دیوان عالی نیز و مدعی العمومی دیوان عالی نیز داده خواهد شد و وزارت عدلیه در هیچ موقعی بیش از دو نفر رتبه ۱۱ نخواهد داشت.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - کراراً مذاکره شده است که اغلب مطالب مناسب است که در مجلس شورای ملی در ضمن بودجه صحبت داشته شود و در حقیقت هم بودجه مملکتی حالا مطرح است و هم بتدریج بودجه تفصیلی را میآورند از کمیسیون و ما باید حقیقه فکری بکنیم که این پوطائی که ما از مردم میگیریم زیاد میگیریم ؟ بجا میگیریم ؟ میتوانیم بگیریم یا نه ؟ ثم وقتی که میگیریم سامنا پول داریم این را باید از روی يك فلسفه بمقتضای حالمان و مملکتان خرج کنیم یا نه کتره خرج کنیم بمعقیده من باید هم درین لایحه که آقای وزیر عدلیه پیشنهاد کرده اند و هم در بودجه های مملکتی که مطرح است چه اجالی چه تفصیلی يك امان نظر منصفانه بکنیم و از روی تحقیق و دقت يك بودجه ای مناسب حال خودمان ترتیب بدیم، اولاً عقیده خودم را عرض کنم آن ترتیب درجات استخدام اداری (عقیده من اینست) که سه چهار پنج درجه آخرش بی ترتیب بالا رفته است سه چهار درجه آخرش بی فلسفه زیاد شده

کا اینکه در همین لایحه هم سه چهار درجه آخرش بی فلسفه ترتیب شده کا اینکه در حقوق خودمان هم که امسال آمدم زیاد کردیم بی فلسفه ترقی داده ایم ... بعضی از نمایندگان - صحیح است

مدرس - خوب ممکن است ترقی دادن ولیکن در تحت يك اساسی و يك فلسفه ای، وقتی که آقای وزیر عدلیه خواستند ترتیب تشکیلات جدیدی بدهند این جا بیانات کردند که باید پول خیلی داد تا کسی دزدی نکند (الشقی و شقی فی بطن امه و السعید سعید فی بطن امه . بعضی از نمایندگان - صحیح است.

مدرس - هر کس بکنظر صلاح و اصلاحی دارد البته آن نظر صلاح و اصلاحی او را باید نگاهداری کرد البته معاش هم باید داد مردم هم باید حقیقه بالناس و التجا بپذیرند مستخدم هم باید حقوق داد ولیکن این فلسفه که آقای وزیر عدلیه آن روز میفرمودند که میباید پول داد، پول داد که دزدی نکنند بنده که گمان نمیکم (من اسبت بخودم که این جورم) که پول خیلی زیاد آدم را باز بدارد از دزدی کردن لهذا این اظهاری که امروز خدمت آقایان عرض میکنم مقدمه است از برای باقی بودجه ها، باقی اشها، قانون استخدام کشوری هم آن ترتیبی که هست آن هم عقیده من اینست که چند درجه آخرش بی ترتیب ترقی کرده است و باید اصلاح کرد و يك وقتی باید در این مسئله شروع کرد، و بودجه خودمان را هم باید اصلاح کرد البته همه اینها در امسال شاید چندان اثری نکنند اما زمینه ساخته میشود از برای سال جدید که از روی يك اساسی از روی يك فلسفه ای بودجه را درست بکنند. آقایان کمیسیون بودجه آمده اند و بازده درجه معین کرده اند مختار بوده اند این ضرری ندارد قانون استخدام کشوری هم بازده تا بشود این هم ضرری ندارد، عیبی ندارد، اینها چندان ضرری ندارد نه تا و ده تا و بازده تا اینها ضرری ندارد ولی رتبه اول را آمدند پنجاه تومان قرار دادند

بسیار خوب، خوب، رتبه اول است کسی که باید بنشیند قضاوت کند هر جور قضاوت خوب پنجاه تومان برای او زیاد نیست رتبه دوم را شصت و پنج تومان نوشته اند بسیار خوب، رتبه سوم را هم هشتاد تومان بازده تومان علاوه کرده اند هم در رتبه سوم بازده تومان) رتبه چهارم را آمده اند صد تومان نوشته اند، بیست تومان علاوه کرده اند. بنده عقیده ام اینست که آن هم بازده تومان علاوه شود. بعد رفته اند رتبه پنجم را یکدفعه صد و بیست و پنج تومان کرده اند. من برای شما حساب میکنم برای من هم این جور اتفاق افتاده است خدمت آقایان هم عرض میکنم تصدیق میفرمائید. حقوق مجلس ماهی دویست تومان بود برای دویست تومان هر کسی بخارجی کرده بود، هر کس بمقتضای وضعیات خودش و عقاید خودش، بنده هم یکی از شما بودم چون بنده هم مخالفم با تفکیک چون بعضی اوقات گفته میشود. ممکن است پنج نفره نفر از من چیزی بگیرند) همان روزی که این رأی را مجلس داد که حقوق زیاد شود از برای شخص بنده معادل دویست تومان اضافه خرج پیدا شد که اگر موقعش بشود برای بعضی بندهم بگویم تصدیق خواهند کرد. چطور پیدا شد ؟ يك عده محبوسین نظمی اند. محبوسین غربا اند فقرا اند که در طهران کسی را ندارند دستگیری ندارند، خدا شاهد است چندین پیغام بینده دادند که يك کسی ما بکنید (البته صد تومان یکدفعه برمداخل کسی اضافه شود) خوب، يك چیزش را ما بدهد) حالا او خیال نمیکند که امثال او زیاد هستند و آنها هم پیغام میدهند و هکذا امثال او و هکذا و هکذا، پس بنده عرض میکنم ماهی صد تومان آمدید اضافه کردید يك دفعه می بینی که ماهی صد تومان هم اضافه تر بخارج او زیاد شد. یکدفعه بیست و پنج تومان برحقوق کسی در ماه علاوه شود هیچ فلسفه ندارد میرویم بالا تر همین ترتیب در قانون استخدام کشوری هم همین طور بی ترتیب درجات بالا رفته درجات اول

از روی يك زبني رفته است بالا ، خوب اول پنجاه تومان بود سه سال خدمت کردند شصت و پنج تومان حقوقشان شد بعد سه سال خدمت کردند هشتاد تومان شد بعد سه سال خدمت کردند این نود و پنج تومان باشد آقای وزیر عدلیه صد تومان نوشته اند بعد يك دفعه ماهی بیست و پنج تومان علاوه شود این فلسفه ندارد ، بعد رتبه شش یکمترتبه صد و پنجاه تومان بیست و پنج تومان دیگر اضافه شده بعد رتبه هفت صد و نود تومان یکدفعه ماهی چهل تومان اضافه شده است بعد هم رفت دو بیست و چهل تومان از صد و نود تومان یکدفعه ماهی پنجاه تومان علاوه شد بعد رفت دو بیست و نود تومان ، ماهی پنجاه تومان دیگر علاوه شد ، بعد از آن باز یکمترتبه سیصد و پنجاه تومان یعنی شصت تومان اضافه شد ، بنده این چندرتبه اخیر را فلسفه ای برایش قائل نیستم ، اینقدر ترقی فلسفه ندارد ، چند رتبه اول خوب بيك زبني بالا رفته است لذا من بيك پیشنهادی بمقام ریاست عرض میکنم که پنج درجه اول هر کدام پازده تومان علاوه شود بدرجه ششم که میرسد بیست تومان علاوه شود یعنی رتبه شش و رتبه هفت و رتبه هشت و رتبه نه و رتبه ده اینها هر يك بیست تومان علاوه شود ، رتبه یازدهم که رتبه فوق است که میفرمایند مرتبه رئیس نیز و مدعی العموم نیز است خوب البته آنها مراتب عالی دارند و امیدواریم مراتب آنها خیلی عالی باشد همینجور که مراتب آقایان و کلا خیلی عالی است (همه آقایان هم توجه دارند که حقوق و کلا هم دو بیست و پنجاه تومان بشود)

آقا سید یعقوب - پیشنهاد کنید .

مدرس - آنها هم دو بیست و پنجاه تومان باشد بعضی از نمایندگان - (صحیح است) معاونین وزراء هم دو بیست و پنجاه تومان ، دیگر آقا همه اهل این مملکتیم مخارج همه معین ، تناسب هم دارد ، وکلای محترم این صد و بیست ، صد و ده نفر که بمنزله سی کرور ملک هستند

مقام وکالت بيك مقام خیلی شریف و خیلی بزرگوارى است حالا ما خودمان قدر نمیدانیم این بيك مسئله از بدبختی مان است لکن مقام بيك مقام خیلی عالی است . بيك نفر شخص محترم و کپیل سي کرور نفوس بودن خیلی مقام محترمی است خیلی مقام بزرگوارى است خدا توفیق بدهد که بمقتضای مقام وکالتان خدمت هم بکنیم و رفتار کنیم . این را انشاء الله الرحمن آقایان اکثریت مؤتلف میشوند که برای سال آتی حقوق آقایان دو بیست و پنجاه تومان باشد . حالا آقای فیروز آبادی شاید اوقاتشان تلخ بشود که چرا من پنجاه تومان علاوه کردم لکن من این اندازه گفتم برای اینکه عملی باشد و از روی فلسفه عرض کرده باشم آنوقت رئیس نیز و مدعی العموم نیز هم مرتبه وکلا باشند . یکمترتبه از دو بیست و ده تومان برسد به دو بیست و پنجاه تومان چهل تومان علاوه شوند مثل معاونین وزراء . وزرا مان هم که خیلی خرج دارند آنها هم بالنسبت تومان بگیرند و انشاء الله الرحمن بودجه مان اصلاح میشود . یکی از آقایان محترم فرمودند بيك شخص محترمی از اینجا میرود تبریز صحیح هم میفرمایند ولی آن شخصی که میرود تبریز البته کرایه اش را باید بدهند و کرایه منزل را در ولایت غربت باو بدهند . اگر هم به محلی رفت که بد آب و هوا بود مقداری بر حقوق او اضافه شود . این دخلی به رتبه ندارد . رتبه ها باید بيك نظم و نسقی باشد . مخارج فوق العاده ای اگر اتفاق بیفتد آن دخلی به مسئله رتبه ندارد . رئیس و مدیر حقوقش در اینجا با تبریز مساوی است منتها وقتی که میخواهد برود تبریز خرج کرایه رفتن و برگشتن را هم باید باو داد ، چون اینجا غربت است باید کرایه منزلش را هم داد . اگر اب و هوا هم بد است باید برای بدی اب و هوا هم بيك فوق العاده داد ولی دخلی بمسئله رتبه بندی ندارد و گمان این است که اگر خود کبیسون بودجه هم فرموده بودند که بنده خدمتشان مشرف میشدم و این پیشنهادی که بنده عرض

کردم که پنج درجه اول را هر بيك پازده تومان علاوه کنند و پنج درجه دوم را هر بيك بیست تومان علاوه کنند و درجه آخر که درجه عالی است یکمترتبه چهل تومان علاوه کنند این پیشنهاد را در اینجا میگردم شاید قبول میکردند . و عقیده ام این است که ان اشل استخدام کشوری هم پنج درجه آخرش ن فلسفه است و از اقتضات مملکت ما زیادتر است و آن راهم باید همین ترتیب اصلاح کرد . شما بعد از آنکه تأمل فرمودید و این را قبول فرمودید امیدواریم آنها اصلاح شود .

وزیر عدلیه - بنده خیلی عذر میخواهم که بایک مثلی شروع میکنم . آقایان همه شنیده اند معروف است که ناجری طلبکار بود و میخواست شاگرد خودش را بفرستد برود طلبهایش را وصول کند هر جا که میرفت باو می گفتند پول نداریم بر میگشت میگفت گفتند نداریم بالاخره ناچار ملتفت شد که این چون توی جیب خودش پول نیست باور میکند که ممکن است آدم پول نداشته باشد . پنجهزار به او پول داد بعد در هر دکان که رفت گفتند نداریم گفت پنجهزار هم ندارید ؟ حالا اساساً میخواهیم به بینیم در مسئله خرج صحبت کردن که چقدر بدهیم ناینکه برای خرج بيك کسی کافی باشد و در صورتی که بنا باشد آقای مدرس در این باب اظهار عقیده کنند همین فرمایشی است که حالا فرمودند برای اینکه آقای مدرس را همه میدانند بقدری کم خرج هستند (از حیث خرج شخصی) اینکه میفرمایند وقتی حقوقشان سیصد تومان شد دو بیست تومان خرج برایشان پیدا شد اما خرج شخصی شان نبود همانطور که فرمودند کمك به فلان حبسی کمك به فلان بیچاره و کمك به فلان بدبخت و الا خرج شخص شان نیست . بنده تصور میکنم اگر بخوایم مقاطعه کنیم مخارج آقای مدرس را ماهی سی تومان نمیشود بنا بر این وقتی که آقای مدرس بخوانند راجع بخرج صحبت کنند میگویند آدم که خرج زیاد ندارد برای اینکه خودش خرج زیاد ندارند

زعیم - مملکت آخر باید بتواند بدهد !! وزیر عدلیه - مملکت هم باید بتواند بدهد اصل صحبت در اینجا است بيك بیان را که آقای مدرس فرمودند که بنده تصور میکنم بيك روزی که میخواهیم جدی در آن قضیه وارد شویم باید هیئت دولت و وکلای محترم بنشینند و واقعاً در این خصوص صحبت بکنند حرف بزنند و عملی هم بکنند این خیالشان را که مملکت باید بتواند بدهد . اما این باید با تناسب باشد ، باید آنوقت همانطور که خودشان فرمودند (آخر ما نباید بيك منطقی را بيك قسمتش را قبول کنیم قسمت دیگرش را کنار بگذاریم) بیان ایشان اصلش این است که مملکت باید بتواند بدهد تناسب هم باید در کار باشد . این حرف صحیح است باید واقعاً نشست و دید همانطوریکه اظهار فرمودند آیا این پولهایی که در مملکت داده میشود آیا متناسب با وضعیت امروزی مملکت هست یا نه ؟ آنوقت تمام حقوقان که داده میشود تمام را همانطوریکه اسم بردند بالاخره باید نشست و جرح و تعدیل کرد ولی همه امتحانات را شما بخوانید در سر این عدلیه بیچاره در آورید این یکقدری دور از انصاف است

بعضی از نمایندگان - از اینجا شروع شود .

وزیر عدلیه - حالا اینجا تفاوت سلیقه است . آقای زعیم تصور میکنند باید از اینجا شروع شود بنده عرض میکنم که از جای دیگر شروع شود که اسباب عبرت ما بشود

زعیم - اینجا آزمایش است آقا عدلیه است .

وزیر عدلیه - دلیلی ندارد آقا . بنده میخواهم به آقایان بيك نکته را عرض کنم بيك روز هم در این زمینه صحبت شده است . اظهار فرمودند که حقوق زیاد دادن مانع دزدی نیست . مگر بنده هیچ چنین حرفی زده ام ؟ مگر بنده گفتم صرف حقوق زیاد دادن مانع دزدی است ؟ اگر بنا بر این بود که فقط بيك کسی

اگر ماهی سیصد و پنجاه تومان و چهار صد تومان حقوق میدادند دیگر دزدی نمیکرد که خوب خیلی ها در این مملکت هستند دارای این مقدار حقوق و باید لا اقل از آنها مطمئن بود که دزدی نمیکند و آنوقت این میرفت روی طبقات پنجاه تومان و شصت تومان در صورتیکه بدبختانه شاید واروا نه است (بنده بیامدم اینجا چنین حرفی را زده باشم) فقط چیزی که بنده عرض کردم باز هم متأسفانه در آن عقیده خودم باقی هستم اینست که وقتی که ما میخواهیم يك کار هائی بجزایان بیفتد و يك خدمتی بکنند بایستی يك حقوق هم بدهیم که کافی باشد برای زندگانی ...

بکنفر از نمایندگان - همه ادارات

وزیر عدلیه - اجازه بدهید ، اگر تناسبی را که الان صحبتش بود ما قائل باشیم و اگر تمام حقوق ها یکمرتبه بيك تناسبی کسر بشود آنوقت يك حقوق کتری هم کافی خواهد بود . وقتی که يك رئیس اداره دوپست و دوازده تومان میکرد ، سبصد و دوازده تومان میکرد این بالاخره يك مخارجی ويك امد و رفتهائی دارد يك طرز زندگانی برای خودش درست میکند که همکارهای او و کسانی که تقریباً بمرتبه او هستند و در يك قسمت دیگری از کار های دولتی هستند آنها هم کردن کیدر شان میشود که همان ترتیب کار کنند ، اما وقتی که نباشد یکمرتبه صرفه جوئی در مملکت بشود و اگر نباشد حقوق همه باین امد و راجع همه یکمرتبه ان طور بکنند يك عده مخصوصی در زحمت نمی افتد و نمیدانم آقایان توجه میکنند باین عرض بنده که چقدر اهمیت دارد ؟ اگر بنده دیدم که شخص اقامه دوپست و دوازده تومان میکرد و رئیس اداره است دو نا نوکر دارد بالاخره بنده هم که هم مرتبه شما هستم دارای رتبه هشت هستم و در يك جای دیگری يك قسمت دیگر از کارهای مملکتی را باید اداره کنم طبیعتاً بنده هم ناچار میشوم که خودم را مثل شما دارای دو نا نوکر بکنم زندگانی

خودم را مثل شما درست بکنم . اما اگر بنا شد که شما برای اینکه حقوقتان کسر شد دستکاهتان را کوچک گرفتید به من هم بر نمیخورد من هم کوچکتر میکیرم چون آن قسمتی را که انسان در زندگانی خودش خرج میکند وقتی که شما بگذارید جلو خودتان يك جزء خیلی کمی از آن واقعاً برای خرج شخصی است خوراک است و آن چیزهایی که ضروری است برای زندگانی و يك قسمت خیلی زیادش باصطلاح عامیانه ميگویند برای سر و همسر برای در آمدن نومی مردم است . وقتی که سر و همسر آمدند مخارج را باین آوردند برای بنده هم طبیعتاً کوچکتر میشود بنده هم میتوانم صرف نظر کنم ولی اگر بنا شد که يك عده دیگری يك زندگانی آرومند زری و با نچمل زری درست کردند بنده هم ناچارم این کار را بکنم بنا بر این (و واقعاً این را عرض میکنم) بنده از روی عقیده کاملاً معتقد هستم که باید در حقوقات مملکتی يك جرح و تعدیلی بشود برای اینکه يك احتیاجات زیاد زری داریم که بواسطه این حقوقات نمیتوانیم آن احتیاجات را رفع کنیم . ولی در عین حال معتقدم که اگر این را بخواهیم از يك طرف شروع کنیم نمیشود . خیر آقا باید قانون استخدام کشوری را گرفت و مال قضاة را هم گرفت و تمام حقوقهای دیگر را هم گرفت و بالاخره گفت ما میخواهیم از حالا تا پنج سال دیگر (لازم نیست بگوئیم الی الابد اینطور است) چون میخواهیم فلان پروگرام اقتصادی را اجرا کنیم و فلان کار را میخواهیم بکنیم از حالا تا پنجسال دیگر فلان مقدار از حقوق همه بيك نسبت کم میکنیم و این ترتیب برای اشخاص هم سخت نمیکند ولی اگر آمدند و از يك عده و طبقه مخصوصی کسر کردند يك ظلمی است که نسبت بيك عده کرده اند ...

مدرس - آن را هم اصلاح میکنیم .
وزیر عدلیه - عرض کنم که در بیانات آقای مدرس يك قسمت دیگر بود که بنده خودم دیگر نمیخواهم

تکرار کنم برای اینکه ایشان هم فرمودند که در قانون استخدام کشوری هم همینطور است ولی همینقدر خواستم یاد آوری کنم که در قانون استخدام کشوری هم از رتبه يك و دو و سه و چهار که سی و دو و چهل و دو و پنجاه و دو و شصت و هشت است یکمرتبه از شصت و هشت میرود به نود و دو و از نود و دو به صد و بیست و چهار . سی و دو تومان تفاوت میشود و از صد و بیست و چهار میرود به صد و شصت و چهار چهل تومان اضافه میشود از صد و شصت و چهار میرود به دوپست و دوازده و از دوپست و دوازده میرود به دوپست و شصت و هشت و در آنجا هم همین ترتیب است پس بنا بر این چون خود ایشان هم فرمودند دیگر بنده تکرار نمیکم ...

مدرس - آنها را هم همینجا اصلاح میکنیم .
وزیر عدلیه - آنوقت این اصلاح را نمیشود نسبت بيك عده کرد و نسبت بيك عده نکرد . بکوقت مقصود تعیین میزان يك اصلی است بنده کاملاً طرفدار آن اصل هستم و معتقدم و کاملاً طرفدار آن فکری که اظهار کردند هستم ولی میخواهم عرض کنم که آن اصل را يك ترتیبی اجرا کنید که واقعاً برای يك عده زحمت پیش نیاید . از طرفی حالا بنده میخواهم بیایم و يك چیز دیگری عرض کنم که رتبه پنج را ملاحظه میفرمائید و میگوئید صد و پنج تومان است . این رتبه مال کیست ؟ قاضی و حاکم بدایت درجه دوم و بعد هم صد و پنجاه تومان حاکم بدایت درجه اول است . الان کسی که در استرادیات است حاکم بدایت است و حقوق او در ماه صد و بیست و پنج تومان است فکر بفرمائید . يك نفری را که میخواهید بفرستید در استرادیات یا يك شهر دیگری (و اغلب این رعایت را هم بنده در عمل کرده ام که اهل محل نباشد) از طهران پا شده است رفته است آنجا این شخص باید يك زندگانی در آنجا برای خودش ترتیب بدهد یا صد و بیست و پنج تومان چکنند ؟ و منحصر هم هست ، آقا میدانید که ما اگر

آمدیم حقوق را زیاد کردیم عده را کم کردیم) برای اینکه يك نفر است و مثل سابق نیست که سه نفر بودند امروز يك نفر است و باید در آنجا کار بکند و اگر يك کاری برخلاف ترتیب بشود مسؤولیت مستقیماً بگردن او وارد می آید با همه این زحمات در يك شهری که خارج از وطن خودش است آیا شما تصور میکنید که این واقعاً يك پول فوق العاده است که در آن شهر بار میدهید ؟ مثلاً وقتی که شما می آید به مدعی العموم شهر تبریز که مال يك ابالتی است یاو صد و نود تومان میدهید يك کسی که بایستی حفظ حقوق و حیثیات مردم را بکند و بتواند آنجا جلو مأمورین دولت را بگیرد و آن اقدامات را که من و شما از او انتظار داریم بکند آنوقت واقعاً شما تصور میکنید که صد و نود تومان که ما باین آدم داده ایم کار فوق العاده ای کرده ایم ؟ بنده در هر حال خیال میکنم که کمیسیون بودجه آنچه را که لازم بوده است بزند (یا در هر حال بنده دیگر نمیدانم آنچه را که صلاح میدانسته) زده است . و از آقایان نمنا میکنم که این اصلاحات مالی و این صرفه جوئی را از ما شروع نکنند ...

بعضی از نمایندگان - همه را باید اصلاح کرد .
وزیر عدلیه - این را يك روزی بیاورید . آقایان دستور بدهند طرح بکنند قانون استخدام را میتوانید رتبه اش را بردارید عوض بکنید ، آن ترتیب تقاعد را یعنی بيك مرتبه این کار را بکنید . آرزوی که راجع همه گردید بنده هم راجع به عدلیه موافقم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - موافقم .
رئیس - آقای کازرونی
کازرونی - بنده قبل از اظهار عقیده یکی دو سه مقدمه به عرض آقایان برسانم : یکی این است که در این مجلس اکثریت و اقلیت نیست از جمله خود بنده

با کابینه و دولت موافقم و اگر اشخاصی برای يك نظر بان خواسته اند اکثریت و اقلیتی نشان بدهند تکذیب میکنم این يك اصل دوم عرض بنده این است که همه ما مجبوریم و مکلف هستیم که آن وظایفی را که عهده داریم انجام بدهیم و انجام آن وظایف عبارت از این است که آن عقیده باطنی خودمان را اظهار بکنیم و در این مسئله هم رعایت دوستی و محبت بغض نکرده باشیم و الا بنده وجداناً در مقابل وزیر محترم عدلیه يك وجهه موافقت و مساعدتی باید همه وقت نشان بدهم لکن چکنم میخواهم وظیفه ام را انجام بدهم. این است که بر خودم هموار میکنم که بر خلاف آن احساسات قلبییم در مقابل ایشان بیایم و بایستم و در نحت عنوان مخالفت يك چیزهایی بگویم يك مطلبی هم اینجا هست (که متأسفم آقای وزیر محترم عدلیه تشریف بردند) مسئله اشل و حقوق تماس با آن تصمیمات و آن منظوراتی که ایشان داشتند ندارد حقوق را مجلس کم بکند یا زیاد بکند ابدأ سکنه و ثامه بنظریات و مقاصد ایشان وارد نمی آید پس بنا بر این ایشان هم نباید خیلی اصرار داشته باشند یکی از مسائلی که مکرر بنده میشنوم گفته میشود و خیلی هم این را بطور قوت بیان میکنند این است که ما حقوق را زیاد کنیم که اینها صحیح العمل بشوند یعنی صحت عمل نشان بدهند حالا با صراحة اینطور میگویند یا اینکه میخواهند این طور بگویند که حقوق را که زیاد کردیم برای این است که اینها صحت عمل نشان بدهند در صورتیکه بنده عقیده دارم که مردمان صحیح العمل اگر مجانی کار کنند صحیح العمل هستند و اشخاصیکه صحیح العمل نیستند هر چه حقوقشان زیادتر بشود خیانتشان بیشتر است، جنایتشان بیشتر است اجازه بفرمائید که بنده دیگر بیش از این در اینجا توضیح ندهم، يك قدری قضایای گذشته را مثل برق از نظر بگذرانید ببینید خائنین کیها هستند؟ آیا آنهایی هستند که برای معاش و نان معطلند؟ آیا آن آژانی است که از مغرب تا صبح سر یا توی برف

ایستاده است برای ماهی بازده تومان او خیانت نسبت به مملکت میکند؟ آیا از ناحیه آنهاست؟ خیر. از ناحیه آنها نیست. از رتبه اولی است؟ یعنی از مستخدمین جزء وزارتخانه ها است؟ خیر. آنها هیچ کدامشان از خائنین نیستند. يك مشت مردم بدبخت حال زحمتکش هستند که حقیقه وضعیت زندگانشان اسباب رقت است اگر جنایتی است (من باز با زناکت عرض میکنم) اگر جنایتی است از رتبه بالا است و هر قدر رتبه او که بالا میبرد خیانتش بالا تر میبرد....

ملک ابرج پور تیمور - اینطور نیست چه علت دارد همه را میگویند؟

کازرون - خوب باستمنای...

پور تیمور - نه استمنای ندارد علت ندارد که همه را دزد میگویند آقای...

کازرون - ببخشید آقای عرض کردم «اگر» فارسی است آقای جان اجازه بدهید عرض کردم اگر در مملکت خیانت و جنایتی باشد از آن مستخدم بازده تومان و سی تومان نیست. اگر غلط است شما بعد تصحیحش کنید این دیگر عصبانی شدن ندارد «اگر» من را فراموش نکند، بنده نسبت بکسی عرض نکردم. عرض میکنم يك حسنی مدتها است در ما پیدا شده که از يك طرف مالیات وضع کنیم و از يك طرف راه برای خرج کردن پیدا کنیم، اسراف کنیم در خرج. و حقیقه با يك حالت عصبانی مالیات وضع می کنیم لکن بنده استدعا میکنم از آقایان محترم يك نظری بیندازند بحال و طرز زندگانی اکثریت مردم ببینند آنها چه حالی دارند بنده عرض میکنم که مردم آرزو دارند مثل حیوانات زندگی کنند یعنی همانطوریکه برای حیوانات...

روحی - هرگز کسی همچو آرزویی ندارد!

کازرون - همینطور است ثابت میکنم برایتان که مردمی هستند که آرزو دادند که همانطوریکه زندگانی حیوانات مرتباً اداره و مرتب میشود برای آنها هم بشود

بگذردی بروید در داخله مملکت سیر کنید آقای روحی. ابرائیم! و همه مردم مثل من و شما زندگی نمیکند آقای ما هم امروزه دیگر درست نمیتوانیم توجه بکنیم که آنها چه حالی دارند. مردمی که وقتی میخواستند گاو میبرد دست اولادش را میگرفت دور گاو میگرددند که خدایا این پسرهای مرا قربانی گاو من بکن که این گاو من برای معاش من زنده بماند. این مردم را عرض میکنم...

(همهمه نمایندگان)

رئیس - آقای کازرونی بگذردی مراعات کنید

کازرون - و در عین حال عرض میکنم که بنده خیلی متشکرم از وزیر محترم مالیه که در صدد این بر آمده اند که يك صرفه جوئیهایی در مالیه بکنند و بینی و بین الله این تقسیم را هم بعمل نزدیک کرده اند و مشغولند و میخواهم از وزیر محترم عدلیه استدعا کنم که ایشان هم در این امر مساعدتی بفرمایند....

خطیبی - او هم کرد دیگر! چه بکنند؟

کازرون - از جمله اموری که گفته میشود اینکه شما که میخواهید تقلیل در خرج بکنید ابتدا در عدلیه بکنید بنده هم موافقم که ابتدا به عدلیه نکنیم ما هم اینجا ابتداء به عدلیه نکرده ایم اگر اشل سایر وزارت خانهای دیگر سی و دو تومان است ما عدلیه را بیست و پنج تومان خواستیم بکنیم آنوقت ابتدا به عدلیه کرده ایم در صورتیکه اینجا اینطور نیست عدلیه اشل اولش پنجاه تومان است آقای زیادش کرده اند سابق بر این قضاوت چهل و پنج تومان میگرفتند حالا که زیاد کرده اند شروع به عدلیه شده؟ خیر شروع به عدلیه نشده است از کجا شروع به عدلیه شده است؟ و اینکه گفته می شود عدلیه مهم است...

یک نفر از نمایندگان - قضاوت.

کازرون - قضاوت؟ تمام وزارتخانهها هر کدام در مقام خودشان مهم هستند وزارت امور خارجه اهمیتش

بیش از عدلیه است وزارت فوائد عامه خیلی اهمیت دارد و همچنین بنده عرض میکنم وزارت پست و تلگراف مستخدمین پست و تلگراف اسرار مردم باید آنها سپرده شود آنها با حقوق ماهی شانزده تومان ناظم فلان اداره هستند زندگانی يك نفر ناظم پست در سمنان. ماهی شانزده تومان است و کاهلام انجام وظیفه میکند این شغل مهم نیست؟ زندگانی رابطی به اهمیت وظیفه ندارد، شلم باید بر شود از نان از گوشت اعم از اینکه وزیر باشد يك چهار يك نان میخورد، وکیل باشد يك چهار يك میخورد و اگر يك کسی پیدا شد که بواسطه زیاد پول گرفتن خواست صحت عمل بخرج دهد این آدم اهل معامله است، اهل داد و ستد است و هر کی پول زیادتر به او داد صحت عملش را به او تقدیم میکنند. در هر صورت بیایید اتفاق بکنیم و يك تقلیلی در خرج بکنیم بنده در گرفتن مالیات با آقایان موافقت میکنم بشرط اینکه آن پولها در راه اصلاح مملکت و در راه تربیت عابدات و زوت خرج شود که بالاخره بلکه زندگی جامعه تعدیل شود زندگانی جامعه امروز تعدیل نیست آقایان وقتی برای يك طبقه ما يك امتیازاتی قائل شدیم این زمینه برای سایرین میشود. بنده عرض میکنم عدلیه بالاخره برای سایر وزارتخانهها زمینه خواهد شد و این زمزمه بین تمام مستخدمین هست از حالا باید جلو گیری کرد و این مسئله اسباب دل سردی سایر اعضاء و مستخدمین وزارتخانهها میشود.

دکتر طاهری (مخبر کیسیون بودجه) - فرمایشات نماینده محترم آقای کازرونی يك قسمتش مربوط به این قضیه نبود يك قسمتش هم تشکر از آقای وزیر مالیه بود راجع به اصلاحاتی که در مالیه کرده بودند يك قسمت جزئی که راجع به این موضوع بود جوازش را عرض میکنم مقدمتاً لازم است این را عرض کنم که مجلس در وضع قانون باید همیشه از افراط و تفریط خودداری کند نه يك وقتی يك احساساتی بخرج بدهد و خیلی تند برود و يك موقع دیگر بعکس تفریط

کنند. در موضوع اشل حقوق عدلیه خود مجلس به پیشنهاد یکی از آقایان حد اقل و اکثر حقوق را معین کرد پنجاه تومان حد اقل چهار صد و پنجاه تومان حد اکثر را ...

مدرس - بن خود بود.
مخبر - خود مجلس معین کرد و ظاهراً هم به پیشنهاد آقای مدرس بود ...

مدرس - پیشنهاد کردیم ولی حالا دیدیم که نمی شود.

وزیر مالیه - می شود و بودجه مملکت اجازه میدهد که بیش از این برای قوه قضائیه خرج شود

مخبر - يك مرتبه مجلس رأی میدهد که پنجاه تومان حد اقل و چهار صد و پنجاه تومان حد اکثر حقوق قضات باشد ولی حالا میگوید آنقدری که کمیسیون بودجه آمده است معین کرده و از مقدار سابق هم فوق العاده

تقلیل نموده است باز زیاد است. پس این يك طرف تقریبی است و مجلس باید خود داری کند که در وضع قوانین يك افراط و تقریبی نشود. این جا فرمودند که وزارتخانه های دیگر هم مهم هستند راست است البته سایر وزارتخانه ها هم مهم هستند ولی اگر به قانون اساسی مراجعه بفرمائید قوه قضائیه را در ردیف قوه مقننه و قوه مجریه قرار داده است اساس مشروطیت به سه پایه است یکی از آنها قوه قضائیه است و میشود قوه قضائیه را با سایر وزارتخانه ها مساوی کرد. اینکه فرمودند بودجه هارا باید تعدیل کرد عرض می کنم کمیسیون بودجه بقدری که وظیفه خودش بوده است در تمام بودجه ها و حتی در قانون استخدام کشوری هم اقدام خودش را کرده و تصدیق بفرمائید که خود مجلس موافقت نکرد. راجع به بودجه و قانون استخدام کشوری و رتبه های اداری کمیسیون بودجه را برت داد و ممکن بود اگر مجلس با آن قسمت موافقت کرده بود و لااقل يك کم وزیادی کرده بود. يك کارهائی درست بشود ولی اصولاً

يك خانه و انانیه داشته باشد ؟ يك فرش نداشته باشد ؟ عظمت قوه قضائیه مربوط است به وضعیات ظاهری آن این است که کمیسیون بودجه سه موضوع را در نظر گرفت اول اینکه به قضات حقوقی که زندگانی آنها را نامین کند داده شود. ثانیاً اینکه حقی باشد که بودجه مملکت هم بتواند آن حقوق را بدهد. ثالثاً اینکه يك تناسبی با حقوق اعضاء سایر وزارتخانه ها داشته باشد که تفاوتی نباشد که موجب دلسردی سایر مستخدمین

بشود یا رعایت این سه نکته این خبر اینطور تنظیم شده است و اگر آقایان ملاحظه بفرمائید حقوق رتبه نه که در این قانون درجست و نود تومان است در قانون استخدام کشوری سیصد و دوازده تومان است ...

مدرس آنهم زیاد است.

مخبر - اگر آنهم زیاد است باید يك قانونی آنرا تقلیل بدهد ولی در عین حال که آن قانون استخدام کشوری معمول است نمیشود این اقتصاد و صرفه جوئی را نسبت به قانون عدلیه منظور بدانند. بنا بر این در این خبری که داده شده است بطوری که عرض کردم رعایت عدالت شده است و کمیسیون بودجه هم از آن قانونی که در مجلس گذشته است صرف نظر کرده است به انکاء همین نظریه که حالا آقایان میخواهند عملی شود. و ما آنچه را که باید تقلیل کنیم کرده ایم و اگر بخوایم از این مقدار هم تقلیل شود يك اهانتی به قضاة خواهد بود زیرا که سایر مأمورین دولت فعلاً مطابق قانون سابق حقوق میگیرند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

حاج شیخ بیات - بنده مخالفم.

حاج میرزا مرتضی - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای حاج شیخ بیات بفرمائید.

حاج شیخ بیات - در موقعی که سایر لوایح مطرح می شود آقایان نمایندگان میگویند هر حرفی که دارید باید در موقعیکه لوایح بودجه مطرح است بگوئید و بدینجمله وقتیکه يك لایحه بودجه یا اشل میرسیم پس از آنکه يك مخالف و

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

حاج شیخ بیات - بنده مخالفم.

حاج میرزا مرتضی - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای حاج شیخ بیات بفرمائید.

حاج شیخ بیات - در موقعی که سایر لوایح مطرح می شود آقایان نمایندگان میگویند هر حرفی که دارید باید در موقعیکه لوایح بودجه مطرح است بگوئید و بدینجمله وقتیکه يك لایحه بودجه یا اشل میرسیم پس از آنکه يك مخالف و

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

حاج شیخ بیات - بنده مخالفم.

حاج میرزا مرتضی - بنده هم مخالفم.

يك موافق صحبت میکنند آقایان فوراً بفرمائید کافی است. این است که بنده عقیده مندم که آقایان اجازه بفرمائید اشخاصیکه میخواهند در اطراف این قضیه صحبت کنند بکنند چون این لایحه خیلی مهم است و اگر يك رتبه اش راده تومان تفاوت بگذاریم ممکن است صد هزار تومان تفاوتش برای این مملکت بشود و نمی شود برای يك همچو موضوعی در نفر موافق و مخالف که صحبت کردند گفته شود که مذاکرات کافی است

رئیس - آقای روحی

روحی - يك بیانات آقای نماینده محترم فرمودند که بایستی يك وقتی اشل و حقوق ها کم بشود منجمله حقوق و کلا دو بست و پنجاه تومان بشود. عرض میکنم بنده هم حاضرم ولی چرا این کار از این يك مشت بدبخت اعضاء عدلیه شروع بشود؟ این عقیده بنده است و بیش از این هم در اطراف این موضوع خوب نیست حرفی زده شود و صحبت هم بقدر کافی شده است و اگر آقایان نظریاتی دارند پیشنهاد بفرمائید که وقت مجلس بیش از این تلف نشود.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای مدرس

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که رتبه های قضات و حقوق آنها بترتیب ذیل مقرر شود:

اول ۵۰ دوم ۶۵ سوم ۸۰ چهارم ۹۵ پنجم ۱۱۰ ششم ۱۳۰ هفتم ۱۵۰ هشتم ۱۷۰ نهم ۱۹۰ دهم ۲۱۰ یازدهم ۲۵۰

بصره - کرایه مسافرت ارباباً و ذهاباً و کرایه منزل مادام که در سفر است بر حقوق رتبه های فوق علاوه خواهد شد.

پیشنهاد میکنم که رتبه های قضات و حقوق آنها بترتیب ذیل مقرر شود:

اول ۵۰ دوم ۶۵ سوم ۸۰ چهارم ۹۵ پنجم ۱۱۰ ششم ۱۳۰ هفتم ۱۵۰ هشتم ۱۷۰ نهم ۱۹۰ دهم ۲۱۰ یازدهم ۲۵۰

بصره - کرایه مسافرت ارباباً و ذهاباً و کرایه منزل مادام که در سفر است بر حقوق رتبه های فوق علاوه خواهد شد.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرضم را کردم گمان میکنم که اگر محبر کمسیون و آقای وزیر عدلیه تأمل کنند اینقدرها سخت گیری نخواهند کرد. خلاصه مطلب این است که عرض کردم درجه اول پنجاه تومان و درجه دوم و سوم و چهارم را هم تقریباً موافق پیشنهادی است که از طرف کمسیون شده است زیرا که اینها ضعیف هستند ولی در درجات بعد که بکفدری زیاد زرقی کرده است یعنی چهل تومان و پنجاه تومان زرقی داده بودند بنده آنها را کمتر بالا بردم و دیگر محتاج به آن دو تبصره هم نیست زیرا که اینها يك جزئیات است که نظم و نسق قانون را بهم میزند که از این رتبه یکی بیشتر نباشد و از آن رتبه دوتا بیشتر نباشد اینها ربطی به قانون ندارد و بنده برای اینکه يك سفری که برای آنها پیش می آید اجحافی به آنها نشود آن تبصره را هم پیشنهاد کردم که هرکسی مأموریت سفری پیدا کرد کرایه سفر آرا رفتن و ایا با به او بدهند و در غرت هم که هست کرایه خانه مطابق حقوق او به او داده شود البته قانون استخدام هم پیش بینی کرده است که اگر مستخدم در يك جای بد آب و هوایی باشد نك حقوق هم به حقوق او اضافه می شود و اینها يك مطالبی است فوق این درجات و رتبه ها و باید درجات و رتبه ها در همه جا محفوظ باشد و بنده گمان این است که امروز شروع کنیم و قانون استخدام را هم امروز درست کنیم. مانعی ندارد، حقوق و کلا را هم امروز درست کنیم، بودجه ها هم در پیش است و باید با يك زینت اساسی درست کرد، بودجه های مملکتی می آید در مجلس باز يك اشکال زایشی خواهد شد. پس باید همه را امروز درست کنیم بنده امروز حاضرم آقایان وزراء هم هستند میرویم در تنفس و این را طراحی میکنیم البته يك کاری هم خواهیم کرد که حقوق قضات هم محفوظ باشد و بنده هم بر مرتبه قضات يك تعدی نکردم که بگویم باید سی تومان و سی و دو

تومان بکنند. (اگر چه همان است که از یکطرف ر میدارید و در يك جای دیگر میگذارید البته لامبز این است که بنده پیشنهاد کردم که باین اش پنجاه تومان باشد و بالایش دوست و پنجاه تومان باشد. وزیر مالیه - البته آقایان توجه میفرمایند که موضوعی که مطرح است خیلی مهم است (از اینجهه مهم است که قوه قضائیه يك مملکت و يك نقشه ها و يك اصلاحاتی که در آنجا شروع شده است و بایستی به خانه برسد امروز در این موقع موضوع بحث است) ولیکن بنده می بینم که آقایان يك قدری مطلب را از این حدود خارج کرده اند و روی اصل کلیه مستخدمین این مملکت میخواهند بحث کنند. اینهم محل زرد نیست که همه وقت نجذید نظر در خرج مملکت و نجذید نظر در قوانین موضوعه برحسب تجربیاتی که حاصل شده است اینها همه يك چیز هائی است که ممکن است خیلی مفید باشد و ممکن هم هست که خیلی بدرد بخورد و هیچ مانعی هم نیست که در موقع خودش و در مقام خودش گفته شود ولیکن بنده میخواهم آقایان را توجه بدم که بایستی همانطوریکه خود آقایان هم گاهی اظهار میفرمایند مطالب را روی احساسات و روی يك نا رضایتی هائی. مدرس - عدم رضایت چیست؟ من از کی ناراضی هستم؟ این حرف ها چه چیز است؟ وزیر مالیه - اجازه بفرمائید آقا (همه نمایندگان - زنگ رئیس) وزیر مالیه - اجازه بفرمائید. همانطوریکه آقایان در اظهار عقیده آزاد هستند بنده هم آزادم در اظهار عقیده و بایستی عقیده بنده و شما هر دو آزادانه اظهار بشود و يك اشخاص دیگری هم قضاوت کنند. آقا. بایستی در نکت نایب این قبیل مسائل يك مطالب مهم مملکتی را يك مرتبه زیر و زیر کرد. ملاحظه بفرمائید که همین مجلس چندین قبل بحد اقل و اکثر حقوق و رتبه های قضائی رأی داد و معین کرد...

مدرس - فوق العاده بود.

وزیر مالیه - آقای مدرس هم که الان صحبت اصلاح این نظریه را میکردند یکی از اشخاصی بودند که در پیشنهاد پنجاه تومان موافقت کردند...

مدرس - میخواستیم تجربه کنیم.

وزیر مالیه - تجربه امروز از کجا آمده است که پنجاه و چهار صد تغییر کند؟ و اگر پنجاه تغییر نکنند چهار صد برای چه تغییر کند؟ آنها در چه حدی تغییر بکنند و در چه حدی تغییر نکنند. بنده خیلی مایلیم که آقایان بکفدری تعمق بفرمایند که کدام تجربه موجب این فکر شده است. اینرا بنده به تعمق و فکر آقایان واگذار میکنم که ما يك مراجعه به قضایای جاریه مملکتی علت این تجربه را معلوم کنند. يك نکته دیگر را بنده میخواهم به آقایان تذکر بدم و آن این است که بایستی در قضایای بودجه دو چیز را همیشه در نظر گرفت یکی اهمیت موضوع و دیگری وسعت مملکت را و هر دو اینها را باید با هم مقایسه کرد.

نابت - استطاعت مملکت.

وزیر مالیه - وسعت و استطاعت هر دو یکی است بعد هم باید قسمتهای خرجی که در مملکت است، در وزارتخانهها و قسمت شهریه بگیرها و وظیفه بگیرها و حقوق بگیرها و و هر چه هست تمام اینها را در عالم مقایسه گذاشت و دید با این وسعت (محض رضای خاطر آقای المونی) و با این استطاعتی که هست و این احتیاجاتی که در مقابل هست کدام يك از این احتیاجات حق تقدم و اهمیت را دارد و برای کدام يك از این احتیاجات آن گذشت و فداکاری را باید مضایقه نکرد بعقیده بنده برای قوه قضائیه و تأسیس يك عدلیه در این مملکت (يك عدلیه که در تمام ایالات و ولایات و در تمام نقاط موجود باشد و علاوه بر بودن يك اسم با داشتن يك اشخاص مجرب و مطلع آن عدلیه يك اساسی پیدا کند و برای آن منظوری که

همه آقایان دارند به درد بخورد) برای يك چنین عدلیه در عالم مقایسه بعقیده بنده بایستی از اغلب مطالب دیگر و احتیاجات دیگر در این جا بیشتر فداکاری کرد. برای تذکر آقایان عرض میکنم که برای بودجه ۱۳۰۷ چندین جلسه مطالعه کردیم و مخارجان را سنجیدیم و حالا این مقایسه را که کردیم عرض میکنم که عوائدمان را که بیست و هفت میلیون برآورد شد تقسیم به يك مخارجی کردیم و البته بعد از آنکه خودمان يك تقسیمان کردیم آن بودجه بنظر آقایان میرسد. و این عرایضی که بنده میکنم از نقطه نظر این نیست که وزیرم و چون وزیرم باید نسبت به بودجه و کزاف بودن بودجه مساعد باشیم بلکه برعکس وظیفه خاص وزارت مالیه این است که نسبت به کزافی بودجه ها مخالف باشد و بهترین دلایل هم این است که در همین بودجه ۱۳۰۷ بنده از بودجه وزارت مالیه نهصد هزار تومان کسر کردم، نهصد هزار تومان بنده از بودجه وزارت مالیه باین آوردم، برای چه؟ برای اینکه وزارت عدلیه يك میلیون تومان اضافه اعتبار بودجه داشته باشد، برای اینکه يك میلیون تومان برای عدلیه و برای آن مقصودی که بنده دارم و همه آقایان موافقت با هم کم است در همین مجلس خودن رأی دادند و وزارت مالیه را مکلف کردید که در ۳۰۵...

وزیر عدلیه - در ۳۰۶

وزیر مالیه - يك میلیون تومان به عدلیه بدهید ولی در ۳۰۶ ما نتوانستیم يك میلیون تومان به عدلیه بدهیم لیکن حالا میخواهیم از اعتبارات بودجه مملکت نا جائی که صدمه به اساس کار نخورد کسر کنیم ری اینکه بتوانیم يك میلیون به عدلیه بدهیم. برای اینکه بتوانیم برای صدها احتیاجات مملکت که هر روزه پیش می آید يك اعتباراتی داشته باشیم و آن پولها را همان کارخانه سمنت سازی که آروز میفرمودید محقق داشته باشیم، برای اینکه برای کارخانه قند سازی که

که هر روزه استطاعت مملکت شما را بیرون میبرد پول داشته باشیم. آقای مدرس شما حساب بکنید این يك چیز خیلی ظاهری و سطحی است که باده تومان، بیست تومان، سی تومان کسر کردن از حقوق يك نفر مستخدم شما نتیجه نخواهد گرفت. آقای وزیر عدلیه در ضمن صحبتشان میفرمودند که بطور کلی با کسر اشل حقوق مستخدمین موافقت دارند ولی بنده عرض میکنم آرزوی که شما حاضر بشوید يك صرفه جوئیهای بکنید بنده يك کسی خواهم بود که راههای صرفه جوئی در قانون استخدام را بواسطه اصلاح بعضی موادش پیشنهاد میکنم و اصرار خواهم کرد که حقوق را کم نکنیم. برای اینکه باید صرفه جوئی مملکت را از راههایی کرد که آن راهها هم نفع مادی داشته باشد و هم يك ضررهای دیگری ایجاد نکند. بنده هم قائل به صرفه جوئی هستم و بنده هم رأی مجلس شورای ملی را تصدیق میکنم که میخواهد يك صرفه جوئیهای بکند برای اینکه آن چیزهایی که از صرفه جوئی حاصل میشود خرج يك مسائل عام المنفعه و زیاد کردن ثروت مملکت بشود. استطاعت افراد را زیاد کند ولی عرض میکنم شما باید کاری کنید که افراد مملکت از زارع، برزگر، رعیت، فلاح، مستخدم یا هر کسی که میخواهد باشد اینها همه غنی بشوند. سعی نکنید آقا که تساوی را از پائین درست کنید، تساوی را باید از بالا درست کرد، همه را باید غنی کرد، همه را باید مستطیع کرد همه را باید راحت کرد برای اینکه با خیال فارغ و با قلب آزاد برای مملکت کار کنند، بنده از آن مستخدمی که شب نگران باشد و از آن مستخدمی که زنت، بچه اش ناخوش هستند و ندارد که يك طیبی را که باید چهار تومان و پنج تومان بدهد بیاورد بنده از آن مستخدم قلبم پاك نیست برای اینکه من مثل بعضی از

آقایان منکر احساسات بشری نیستم مدرس - بنده توضیح دارم اینجورقی را که زدند زدید دارم. سوء تفاهم شده است. رئیس - توضیح نظامنامه دارید؟ مدرس - بلی راجع بعدم رضایت. رئیس - بفرمائید.

مدرس - بودجه مملکتی مطرح است سی میلیون م پول هست این حرفها بخرج نمی رود، بیست سال است این حرفها را زدید که مردم غنی بشوند طبقه چه و چه بشوند، بنده اظهار عدم رضایت از کسی ندارم، بنده مخالف هستم که ادارات حقوقشان زیاد باشد ولی در ایران صد ها هزار نفر بیکار باشد. باید حقوق ادارات را از روی عایدات مملکتی داد، مردم چه جور زندگی میکنند؟ رؤسای ادارات چه قسم حقوق می گیرند؟ بنده مخالف هستم که این پولها را از مردم بگیرند و رؤسای ادارات یکی صد تومان و یکی هزار تومان بگیرند و خرج کنند.

رئیس - (خطاب به آقای مدرس) آقا این توضیح نظامنامه نبود.

مدرس - بنده این را که گفتند عده رضایت دارم توضیح دادم بنده کسی را سراغ ندارم که از اراضی نباشم من از تمام موجودات راضیم

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

بعضی از نمایندگان - ختم جیسه

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که مذاکره همانطوری که فرمودند خیلی دقیق و قابل بحث است و همانطور ما هم با ختم جلسه موافقت میکنیم که بالاخره برای روز آینده بهتر و زیادتر و دقیق تر قضیه را نگاه کنیم و در قضیه بحث کنیم.

رئیس - با ختم جلسه مخالفی ایست؟ (گفته شد خیر)
رئیس - جلسه آتیه روز یکشنبه است (نمایندگان - صحیح است)

(مجلس ۲۰ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

اصلاح

قسمت اخیر ماده ۹۳ نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی

مصوب ۲۱ آذر ماه ۱۳۰۶ شمسی

در انتخابات مجلس عمومی غیر از انتخاب هیئت رئیسه بطریق ذیل عمل میشود:

قبلاً پنج نفر از نمایندگان بحکم قرعه با یک نفر از منشیان به تعیین رئیس برای استخراج و نظارت آراء معین میشوند. بعد از آن رئیس عده حاضر در جلسه و انتخاب یکی از کمیسیونها را اعلام مینماید.

نمایندگان حاضر در جلسه هر کدام يك پاك كه حاوی ورقه رأی راجع به کمیسیون اعلام شده است بدست پیشخدمت مخصوص میدهند تا در ظرف رأی که همراه دارد گذاشته و پس از اخذ آراء کمیسیون مزبور در روی کرسی خطاب میگردد. بعد از آن رئیس مجدداً عده حاضر در جلسه و انتخاب کمیسیون دیگر را اعلام و بترتیب فوق اخذ آراء میشود تا اینکه تمام آراء راجع به کمیسیونها جدا جدا اخذ شده و روی کرسی خطاب گذاشته شود در انقضاء جلسه ظروف آراء مأخوذه تسلیم هیئت نظار میشود که در خارج استخراج نموده نتیجه را رئیس در جلسه بعد اعلام نماید.

اصلاح فوق در جلسه بیست و یکم آذر ماه یکم هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی، حسین پیرنیا